

جنبش و جنرال دوستم از کرزی تا احمدزی



(استاد - صباح)

دروطن ماچه شد؟؟؟



بوستان در برف سوخت و ارغوان خشکید
ابر نماند و اشک در چشم آسمان خشکید
گلوی قناری ها به حکم تفنگ پر پر شد
دوتار و چنگ به کف خنیا گران خشکید
پرند گان نشست بر روی شاخه یخ بست
شکوفه ها همه بر زلف مه رویان خشکید
چه وحشت و دشت و سیاهی و تباهی
چلچله مرد و جوانه ها در بهاران خشکید

در شهر بخون تر چه گذشت تو میدانی؟
صدا ها در گلو و گریه در مژگان خشکید
بسکه کشتن و بستن و به تاراج بردند
سبزه زیر پا شد و درره قبرستان خشکید.

بحران و تنشج آفرینی در شمال



مدتی است که شمال افغانستان، درگیر ناملايمات، جنجال ها و چالش های مختلف گردیده است. حتی سقوط ولایت های شمالی افغانستان در فاز دوم خود قرار گرفته و حضور معاون اول رییس جمهور را طلبید تا در میدان های نبرد بر ضد تروریستان و مخالفان مسلح دست به کار شده و خود تفنگ بر شانه گیرد اما تا اینجای کار ما شاهد برآیند مثبت و مطلوب نبوده ایم. در آخرین و تازه ترین اظهارات جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول رییس جمهور از حضور داعشیان و گسترش روز بروز این گروه در ولایت های شمالی افغانستان با شدت و نگرانی یادآوری شده بود.

علل و انگیزه تنشهای شمال

ده سال قبل شمال که هم اکنون ناامن است، از جمله ولایت های امن بود. ولی با کمال تاسف جنگ طرح ریزی شده به طرف شمال انتقال یافت و این ولایت های امن را ناامن ساخت. در اینجا دست هایی کار می کند که مردم افغانستان را نمی گذارند که یکی شوند و متحد باشند تا بتوانند این جنگ اعلان نشده را در مقابل مردم افغانستان به پیش ببرند. این جنگ به دست خارجی ها خارجی ها قصد دارند از طریق این جنگ بر صفحات شمال مسلط شوند و سپس آسیای میانه را از آنجاستهدید کنند. اگر فاریاب ویا غوروتخار سقوط کرد شمال سقوط می کند. اگر هم شمال سقوط کرد حکومت داران باید مطمئن باشند که حکومت سقوط خواهد کرد. چرا علاج واقعه قبل از وقوع نکنیم و اجازه دهیم که ولایت هایمان یکی یکی سقوط کنند و بعد ما دست بکار شویم و به فکر افتیم که ولایت ها را پس بگیریم! چرا به فردی مانند جنرال دوستم اجازه فعالیت در این حوزه امنیت نمی دهیم؟ و چرا بروی دسیسه می چینند و توطیه می کنند.؟؟؟

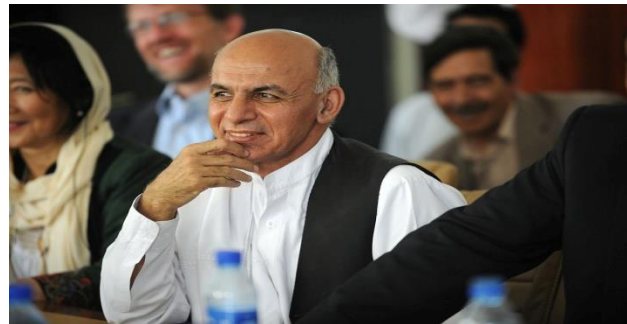
جنرال دوستم از نقش خود در حکومت میگوید



دوستم گفته است: رییس‌جمهور ۹ کمیسیون را خودش اداره می‌کند. والی، فرمانده پولیس، فرماندهان حوزه همه را باید رییس‌جمهور تعیین و امضا کند. این عادلانه نیست. پس ما چه کنیم؟! بر اساس قانون، ریاست کمیته امنیتی شورای وزیران مربوط به معاون نخست است، اما این وظیفه هم به شورای امنیت سپرده شده است. در دوران کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری به مردم گفته بود که او (دوستم) مهندس و یا اقتصاددان نیست، اما می‌تواند در بخش امنیتی موثر باشد. جنرال دوستم همچنین به خاطر آن که نتوانسته به‌طور کامل به وعده‌های خود عمل کند، از مردم عذرخواهی کرد. در تمام یک‌ونیم سال گذشته در شورای امنیت افغانستان خواسته که به او اجازه سرکوب مخالفان داده شود و طرح‌هایی را برای تأمین امنیت پیشنهاد کرده، اما قبول نشده است.

جنرال دوستم گفت: دلم می‌شود با مردم گپ بزنم. از بین توده‌ها برآمدم. بچه دهقان هستم. در یک گنبد گلی کلان شدم. درو کردم و قلوه کردم و کارگر بودم. چرا امروز به داد و مشکل مردم رسیده نمی‌توانم ... می‌گویند چرا به دفتر کارم نمی‌روم؟ وقتی صلاحیت کاری نداشته باشی و امضایت اعتبار نداشته باشد، در دفتر چه می‌کنی؟

مافیای غنی



۱ - غنی قرارداد تیل وزارت دفاع را که هر لیتر به قیمت ۶۸ سینت با شرکت غضنفر بود، فسخ نمود و دوباره همان قرار داد را به مبلغ هر لیتر ۸۸ سینت (۲۰ سینت بالاتر در هر لیتر) به شرکتی متعلق به اجمل غنی پسر کاکایش سپرد. این در حالیکه شرکت های دیگر حاضر بودند همان قرارداد را حتی پایین تر از نرخ قبلی اش بگیرند و افزون بر آن نرخ تیل در بازار های جهانی نیز کاهش یافته بود .

۲ - اجمل غنی در قرارداد انتقال حجاج سال روان در تبابی با شرکت (ACMI4U) دو میلیون دالر را به جیب زد، در حالیکه شرکت (کابوایر) در ۶۵۰ ساعت پرواز زیران حج را در بدل ۴۲۹۸۵۰۰ دالر انتقال داده می‌توانست، اما در قراردادی که با همکاری اجمل غنی منعقد شد، شرکت آریانا هر ساعت مبلغ ۹۶۹۰ دالر و در مجموع ۶۲۹۸۵۰۰ دالر

یعنی دو میلیون دالر بیشتر از نرخ اصلی آن به شرکت (ACMI4U) پرداخت کرده است .
شرکت (کابوایر) متعلق به شخصی بنام سیدسلیمان آغا و شرکت (ACMI4U) متعلق به سید مجتبی برادر وی میباشد.
اجمل غنی، سید سلیمان و سید مجتبی دوستان خیلی نزدیک و دیرینه هم میباشند و سالهاست که در دبی با هم شراکت کاری دارند . قابل ذکر است که شرکت (کابوایر) سال گذشته نیز در قرارداد انتقال حجاج دو ونیم میلیون دالر را بدون انجام پرواز به جیب زده بود.

اخطار ضیا مسعود



ضیا مسعود نماینده خاص رییس جمهور که در همایش فرماندهان جهادی در ولسوالی استالف شهر کابل صحبت می کرد، از رهبران حکومت خواست، اختلاف های شان را کنار بگذارند و به افغانستان و شهروندان آن آسیب بیشتری نرسانند. او تاکید کرد "یا این مسایل را حل بسازند و اگر حل ساخته نمیتوانند، ملت دیگر تحمل بیشتر از این را ندارد و این پراگندگی سیاسی به ملت قابل قبول نیست. اگر تا چند وقت دیگر این اختلاف ها حل نشود ملت مجبور است که بدیل سیاسی را جستجو کند". مسعود که قبلا نیز نسبت به افزایش قوم گرایی هشدار داده بود، بار دیگر از رهبران حکومت به شدت انتقاد کرد و گفت که "در دو سال گذشته در حالی که ملت هر روز کشته می دهد، اما رهبران در فکر تقسیم قدرت هستند. یعنی چوکی یک اداره مهمتر از جان فرزندان این کشور است. در این دو سال بخش های زیادی از کشور را طالبان گرفتند. ادامه این وضعیت به نفع افغانستان نیست".

جنرال دوستم و حزب دموکراتیک خلق افغانستان



اینجانب وابسته گی به احزاب سیاسی نداشتم. گفتند و شنیدم رژیم جدید تحت حاکمیت حزب خلق به مردم زمین میدهند. به کارگران کار میدهند و برای مردم فقیر، بینوا و تهیدست افغانستان خوارک، پوشاک و مسکن و تحصیل، صحت و بهداشت فراهم میکنند. من به عنوان کسی که رنج و محنت را با گوشت و پوست خود آزموده بودم داخل موج شدم. با اعتقاد به فقرزدائی و کمک برای مردمان تهیدست کشورم، نه چیزی بیشتر از آن به حیث یک فرزند رنج دیده و مسلمان افغانستان یک آرمان داشتم دستیابی به حقوق ملت و مردمم. ما مظلوم بودیم.

جنرال دوستم از ملیت و قومش میگوید

شما همه میدانید، به زبان مادری ام گپ زدن نمی توانستیم. من به عنوان فردی متعلق به ملت تورک تحقیر می شدم. مردم نیز تحقیر می شدند. من این آگاهی را از نصیحت و رهنمایی استادان سیاست یاد نگرفته بودم. استادی هم نداشتم. معلم من، استاد من، آموزگار من رنج ها، بدبختی ها و مصیبت های مردم و قوم بود. من این درس ها را از مصیبت ها و تیره روزی های مردم می آموختم. آموزگار من رنج ها و بدبختی های مردم من بود. مردم تحقیر شده، بینوا و دور از سیاست و حضور در قدرت، دولت داری. من مبارزات حق طلبانه ام را با درس ها و آموزش ها از مکتب مردم آغاز کردم. زنده گی ام را بر سر این راه گذاشتم. موهای سرم را درین راه و در مسیر این رنج و سرگردانی و مبارزات و مجاهدت های حق طلبانه سفید کردم. ..

جنرال و حاکمیت کرزی



ستر جنرال دوستم در دوران حاکمیت کرزی، جزء دولت بود. زمانی که وضعیت امنیتی به خرابی گرائید، جنرال دوستم به دولت پیشنهاد نمود که خواهان نبرد تعیین کننده علیه طالبان افغان و پاکستانی در چوکات نیروهای امنیتی در جبهات جنگ می باشد؛ ولی متأسفانه که کرزی روی ملحوظات تباری و سیاسی خود اجازه مبارزه قاطعانه را علیه تروریستان برای دوستم نداد؛ زیرا کرزی نه تنها خواهان کوچک ترین صدمه به طالبان نبود؛ بلکه با نحوی از انحاء ده ها هزار طالب را از زندان های دولتی، امریکایی در بگرام و حتا گوانتانامو آزاد ساخت که همه آن ها به مراکز تروریستی خویش برگشتند.

گفتنی های جنرال از عهد و تعهد



به جای تحقق پیمان ها، عهد ها و تعهد ها با وعده خلافی، اعتماد زدائی و پیمان شکنی و بند و بازی های سیاسی روبه رو شدم. این بازی های سیاسی و پیمان شکنی دیگر نفس گیر و حوصله فرسا شده بودند. من متن این بازی ها را میدانم اما همیشه بخاطر مصلحت مردم گذشت کرده ام. حتا اگر به زیان خودم، حزبم و مردم هم بوده است، باز حوصله کرده ام. و شکیبائی بیشتر نمودم ام. به این امید که شاید دیر یا زود به حق و عدالت احترام گذاشته می شود. من با مردم افغانستان هستم با مردم هستم، خیر این ملت را میخوانم، صلح و ثبات، دموکراسی و عدالت و برادری می خواهم. اما واقعاً یک چنین سیستم سیاسی ای با چنین روش هایی می تواند صلح ایجاد کند و به آرزو های مردم افغانستان جامه عمل ببوشاند؟ مردم سی سال تمام وعده، وعید و دروغ شنیده اند. چگونه می توانند اعتماد کنند. دیگر بس است.

کرزی و احمدزی ، از اکبربای تا ایشچی



دولت کرزی ، جنرال دوستم و اکبربای را موضوع امنیتی خواندند و افزودند که کنترل آن ، از صلاحیت های وزارت داخله است . سخنگوی کرزی می گفت که تمام اتباع کشور در مقابل قانون یکسان مسولیت و امتیازات دارد . این قضیه به څارنوالی سپرده شده و برخورد قانونی با آن صورت خواهد گرفت . پولیس زمانی منزل جنرال دوستم را در وزیر اکبر خان محاصره کرد ، که وی و طرفداران مسلح اش به منزل رئیس شورای ترکتباران (اکبربای) هجوم برده و او را مدتی گروگان گرفتند (به ادعای گروپ کرزی) . این محاصره عکس العمل شدید جنبش ملی و جبهه ملی را با خود داشت . شخصیت های مستقل تاکید داشتند که حامد کرزی دستور محاصره منزل جنرال دوستم را داده بود . همچنان توطیه بار دیگر مدیریت شد و این بار از جانب احمدزی و در دفاع از احمد ایشچی .

کیها آتش نفاق راپف می کنند ؟؟؟



جنرال ملک و اکبربای بحیث مخالفین اوزبیک تبار جنرال دوستم همسنگر ساخته شده بودند که علیه جنرال دوستم طرح واحد تخریبی داشته باشند . جنرال عطا والی بلخ بحیث مخالف تا جیک تبار جنرال دوستم آماده ساخته شده بود تا نقش مهم خود را در بی وزنه ساختن جنرال دوستم در ولایات شمال و حتی در ولایات حوزه نفوذی اش ایفا نماید . قوماندان امنیه کابل و وزارت داخله نقشهای وارد آوردن آنها مات تها جم افراد مسلح جنرال دوستم به خانه اکبربای و ضرب و شتم اعضای فامیل او را برعهده داشتند تا با تبلیغات برضد جنرال دوستم اذهان عامه را علیه او تحریک و زمینه را برای حضور پولیس در اطراف اقامتگاه جنرال دوستم و مداخله لوی څارنوال مهیا سازند . رسانه های اجیر شده نیز وظیفه داشتند یک زاغ را چهل زاغ کنند و کاه را کوه نشان بدهند چنانچه این رسانه ها به مراتب بدتر و خشن تر از صاحبان غرض و مرض گردانندگان تلویزیون ها عمل کردند . والی بلخ عطا نور در اجرای نقش خود وقتی نا کام حساب گردید که با لا تر از حیطة صلاحیت کاری اش گفت : من به هیچ کس اجازه نمیدهم در سمت شمال هرج و مرج

ایجاد نما پد صدها نفر گفتند و نوشتند که عطا نورچه کاره و چندیکه ملک است که چنین عرعر میزند و ده ها هزار نفر در ولایات فاریاب، جوزجان، سرپل، و حتی بلخ و تخار و مناطقی دیگر تظاهرات را بر ضد توطئه گران و عمال آنها براه انداختند که اگر پیام و دستور خویشتن داری که از طرف جنرال دوستم خطاب به مردم شمال کشور صادر شده بود توسط فعالین سیاسی به سمع مردم رسا نیده نمیشد ممکن والی بلخ و سایر نقش آفرینان در توطئه علیه جنرال دوستم از کرده پشیمان میگشتند. اما بزرگان اقوام که با مصلحت اندیشی بصفت شخصیت های مصلح و مدبران قوم برای حل مسالمت آمیز این قضیه تصنعی حاصل توطئه دشمنان صلح و ثبات کشور از ولایات مختلف خود را بکا بل رسا نیدند و با جنرال دوستم و اکبر بای ملاقات و مذاکره نموده حل مسالمت آمیز این قضیه را بر عهده گرفتند.

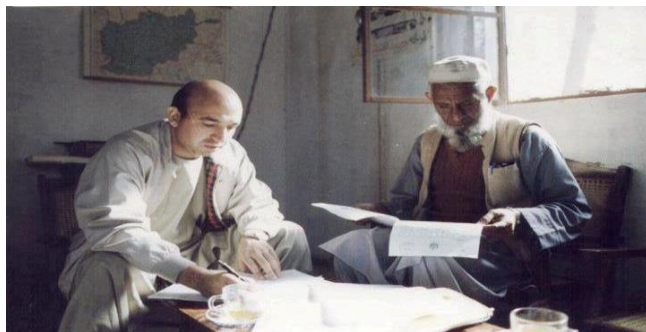
عکس العمل جنبش و شمال در قضیه اکبر بای و توطئه کرزی



جنبش ملی ۱۰۱ - در یک عکس العمل تند گفته بود اگر اینگونه عمل (محاصره منزل دوستم) تکرار شود، ساحات آرام شمال نیز نارام خواهد شد، سرپرست جنبش ملی، طپی کنفرانس خبری در مزار شریف گفته بود که وزیر داخله، باید از جنرال دوستم معذرت بخواهد. رتبه حکومتی دوستم (درستیز وال سر قوماندانی عالی قوای مسلح) بلند است و وزارت داخله، حق محاصره منزل او را ندارد.

همچنان در قبال توطئه کرزی ده ها هزار نفر در ولایات شمال نظیر فاریاب، جوزجان، بلخ و سرپل در مورد دسیسه علیه جنرال دوستم که از طرف عده ای از دشمنان تبعض طلب و دشمنان صلح و امنیت طراحی گردیده توسط عمال و آله دست دیگران براه انداخته شده و تبلیغات خصمانه و نابخردانه برای کاهش دادن اعتبار و حیثیت دوستم توسط شرکای این توطئه ارایه گردیده بود تظاهرات عظیم و چشمگیر آگنده از خشم براه انداخته شد. تظاهرکننده گان می گفتند - این قضیه عمداً براه انداخته شده است تا فضای مکر و آشوب زده جنوب و شرق کشور را به شمال و مناطق با لنسبه آرام نیز منتقل نمایند و زمینه را برای فعالیت سلطه خواهان مساعد گردانند و تا امکانات بن بست غلبه بر طالبان شریک ستراتیژیک این توطئه گران فراهم گردیده و در فضای این نا آرامی ها و بحران سیاسی و نظامی، زمینه به کشت کوکنار و تولید مواد مخدر بیشتر فراهم شود تا سهم بیشتر از تولیدات و قاچاق آن از مافیای بین المللی مواد مخدر بدست آورند. این توطئه گران، شریک و حامی طالبان که خائنین ملی هستند، منافع شخصی خود را بر منافع جمعی ترجیح میدهند و همیشه سعی دارند که آتش نفاق را در تمام قلمرو افغانستان توسعه داده و مشتعل نگهدارند تا به نفع طالبان خیانت پیشه سهم فعال ایفا نمایند.

جنرال دوستم در مورد اداره کرزی



اولین کسی بودم که به پروسه "دی دی آر" پیوستم. فرقه هایم را منحل کردم، اسلحه ام را تحویل دادم. من چنان توانایی تسلیحاتی داشتم که تا حال نتوانسته اند همه دیپوهای نظامی منرا انتقال دهند. در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری جان بر کف وارد افغانستان شدم. تا به صدای صلح، خواست جامعه جهانی و دوستان بین المللی پاسخ مثبت بگویم. از ملت و مردم خود خواستم به کرزی رأی بدهند. همه میدانند که رأی من مشروع ترین رأی بود. تقلب در آن وجود نداشت. آن رأی در مشروعیت بخشیدن به دولت موجود به کرزی، نقش و تأثیرات انکار ناپذیر داشت. اما نتیجه آن همه مساعدت ها همکاری ها، حمایت ها که به خاطر مصلحت عام مملکت، جلوگیری از بحران، جنگ و نفاق قومی بود، چه شد؟

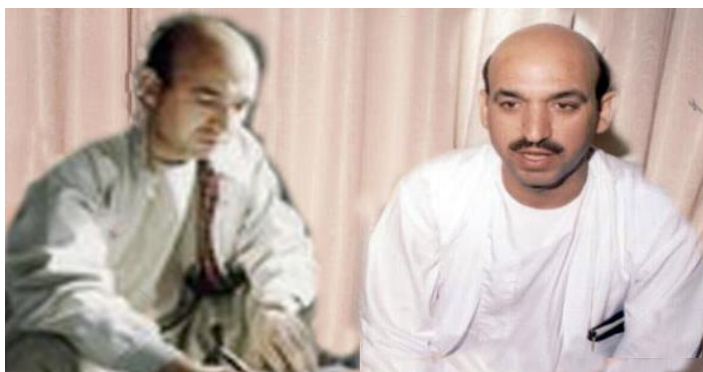
قاطعیت جنرال دوستم در برابر کرزی



جنرال دوستم نیز در پیام شدید و دندان شکن به تیم کرزی خاطرنشان میکند:
...دولت کرزی یعنی وزارت داخله آن در لیل ۱۴/۱۵ برج دلو با بهانه ی که خود ساخته و تراشیده است منزل شخصی ام را خلاف تمام موازین و قوانین ملی و بین المللی به محاصره در آورد و صدها تن افراد مسلح پولیس ماجرا جویانه تاده ساعت به محاصره ادامه دادند که با تنفر و اینزجار و عکس العمل مردم حق شناس افغانستان از مرکز تا دور ترین ولایات کشور مواجه گردید و این توطیه شوم انها نیز برای بار دیگر خنثی شد. ما بر این باوریم که وضعیت موجود به بن بست رسیده میخوام مردم افغانستان برای تجدید نظر در ساختار نظام فعلی، یعنی تغییر سیستم ریاستی به پارلمانی، انتخابی بودن والی ها و سایر نماد های کارساز در چارچوب یک سیستم دموکراسی فدرال بصورت قانونی و صلح آمیز اندیشه نمایند و رای خود را به گوش رژیم کرزی و جامعه بین المللی، که در روز های سخت مردم ما را یاری رسانده اند برسانند. جنبش ملی اسلامی باور به همگرایی منطقه و همبستگی دوستانه با همه کشور های جهان دارد. و حال قضاوت را به شما هموطنان عزیز میگذاریم با چنین دولت ها و با گماشته گان نا میمونش چه باید کرد و تا چه حد از حوصله و خویشتنداری کار گرفت و با توطیبه ها و دسایسی، که یکی پی دیگر راه اندازی می نمایند چه برخوردی صورت گیرد آ

نرا شما هموطنان عدالت پسند و حق شناس معین خواهید نمود و آنرا به مصلحت نیک اندیشانه شما واگذار می‌شویم زیرا در هر نوع شرایط من با شما و شما با من بوده اید . ومن الله توفیق.

پیام ترک تباران به توطئه کرزی و اکبربای



حلقات برتری جو و عظمت طلب که در محور کرزی مدار گزیده اند ، درحالیکه تلاش می‌ورزند سیستم غیرانسانی و فرسوده دورانهای حاکمیت خاندانی را در بنای تک قومی احیا نمایند ، نمیتوانند حضور اقوام غیرخودی را در ساختار مناسبات سیاسی - دولتی تحمل نمایند . بنابراین باگذشت هر روز دسیسه تازه پی را با استخدام عناصر خودفروخته و نوکرمنش وبا مصارف ملیون ها دالر بادآورده و خداداد راه اندازی مینمایند . دسایس پیهم علیه مردم اوزبیک در فاریاب ، جوزجان ، بلخ ، سمنگان و بعضی ولایات دیگر و همچنان دسیسه اخیر بر علیه جنرال دوستم و حزب جنبش ملی اسلامی بیانگر اهداف خصمانه حلقات تمامیت خواه که در بستر اندیشه ابا ورزیدن از همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف و احیای استبداد گذشته بنا گردیده است میباشد.

تیم شوونیستی کرزی برای مبارزه باملت نجیب ازبیک وترک دریک اقدام عجولانه اکبربای را ریس شورای ترک تباران اعلام وخواستند ازکاه کوه بسازند اما کشمکش اخیرثابت ساخت که مردم ترک تبارازچنین شورای آگاهی ندارند وحتایکنفرهم دردفاع از اکبربای قرارنگرفت . تنها وتنها کرزی ، فاروق وردک ، سخنگوی کرزی ، جبارثابت ، مقبول وزیرداخله ، سالم احساس وعلی شاه پکتیاوال دردفاع ازوی قرارگرفتند که این افراد فوق الذکر ازملیت ازبیک وترک تباران نبوده ومیخواهند از آب گل الود ماهی بگیرند.